

بررسی نگرش افراد جامعه نسبت به مدارس غیرانتفاعی در شهر اصفهان^(۱)

محسن گلپور - دکتر سیدحمیدرضا عریضی

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی نگرش افراد جامعه نسبت به مدارس غیرانتفاعی در شهر اصفهان به مرحله اجرا درآمده است. از بین کلیه مناطق شهری اصفهان، ۳۱ خیابان به شیوه تصادفی از روی نقشه شهری طی نمونه‌گیری چند مرحله‌ای استخراج و ۱۵۰۰ نفر از افراد ساکن در این خیابان‌ها به‌عنوان گروه نمونه، به پرسشنامه‌های پژوهش پاسخ داده‌اند. پرسشنامه نگرش سنج که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته، بر اساس ادبیات تحقیق و یک مصاحبه‌ی مقدماتی تهیه شده است. این پرسشنامه نگرش افراد جامعه را نسبت به مدارس غیرانتفاعی در ابعاد آموزشی، پرورشی، اقتصادی و اجتماعی مورد اندازه‌گیری قرار داده و دارای ۴۸ سؤال بوده (هر ۱۲ سؤال مربوط به یکی از این حیطه‌ها) است. روایی پرسشنامه نگرش سنج به صورت صوری و محتوایی بررسی و مورد تأیید قرار گرفته است. هم‌چنین پایایی پرسشنامه، به صورت هم‌سانی درونی (آلفای کرونباخ) مورد بررسی قرار گرفته که در هر یک از ابعاد چهارگانه (آموزشی، پرورشی، اجتماعی و اقتصادی) بین ۰/۷۸ تا ۰/۸۹ در نوسان بوده و آلفای کرونباخ کل پرسشنامه نگرش سنج، ۰/۹۴ به دست آمد. پایایی باز آزمایی نگرش سنج نیز با فاصله‌ی چهار هفته مورد بررسی قرار گرفته که نتایج ضرایب همبستگی همگی معنادار بوده بین ۰/۴۸ تا ۰/۷۱ در نوسان بوده است. سؤال اصلی مطرح در این پژوهش بدین صورت بوده است که نگرش افراد جامعه نسبت به مدارس غیرانتفاعی در ابعاد آموزشی، پرورشی، اجتماعی و اقتصادی چگونه است؟ به منظور پاسخ‌گویی به این سؤال علاوه بر ارائه میانگین و انحراف استاندارد هر یک از سؤال‌های ۴۸ گانه پرسشنامه نگرش سنج، از آزمون t یک نمونه‌ای به منظور بررسی و مقایسه میانگین هر سؤال با میانگین ثابت ۳ (که متوسط نگرش در هر سؤال در طیف لیکرت محسوب می‌شود) استفاده به عمل آمده است. نتایج اجرای آزمون t یک نمونه‌ای بر روی ۱۲ سؤال بعد آموزشی در نگرش سنج نشان داد که در سؤال اول نگرش مثبت ($t = 10/022$ و $P = 0$) ولی در سؤال دوم تا دوازدهم (به جز سؤال نهم که میانگین سؤال از میانگین ثابت ۳ تفاوت معناداری نداشته است) بر اساس t های منفی که همگی معنادار بوده‌اند ($P < 0/05$) نگرش‌ها در بعد آموزشی نسبت به مدارس غیرانتفاعی منفی بوده است. در بعد پرورشی نیز در سؤال اول، دوم، سوم، چهارم، پنجم، هفتم، دهم، یازدهم و دوازدهم (با t های $-2/073$ برای سؤال دوازدهم تا $-25/364$ برای سؤال دهم) نگرش‌های منفی نسبت به مدارس غیرانتفاعی وجود داشت (در سؤال‌های ششم، هشتم و نهم، تفاوتی بین میانگین هر سؤال با میانگین ثابت ۳ به دست نیامد). در بعد اجتماعی نیز در سؤال اول تا یازدهم (با $t = 8/786$ برای سؤال سوم تا $t = -34/033$ برای سؤال نهم) نگرش‌های منفی نسبت به مدارس غیرانتفاعی وجود داشت، ولی در سؤال دوازدهم ($t = 2/078$ و $P = 0/038$) نگرشی مثبت نسبت به مدارس غیرانتفاعی بود. در بعد اقتصادی نیز در سؤال‌های اول تا دوازدهم (با $t = 2/443$ و $t = -40/723$ برای سؤال‌های ششم و دوازدهم، به ترتیب پایین‌ترین و بالاترین) نسبت به مدارس غیرانتفاعی نگرش منفی وجود داشت.

مقدمه

هر جامعه، نظام ارتباطی نسبتاً پایدار در روابط اجتماعی گروه‌های بزرگی از افراد است که نیروی قانون، آداب و رسوم و... از آن حمایت می‌کند. بر همین مبنا، هر جامعه از عناصری تشکیل شده، یعنی از افرادی که در پیوند با یکدیگر، گروه‌های اجتماعی، طبقات اجتماعی، نهادها و سازمان‌های اجتماعی را می‌سازند (گلایی، ۱۳۸۰، گلشن فوضی، ۱۳۷۳). هر جامعه‌ای برای بقای افراد خود و تداوم حیات (فردی - اجتماعی) ناگزیر به برآوردن برخی نیازهای اساسی، نظیر تأمین نیازهای اقتصادی، زاد و ولد، آموزش و پرورش و ایجاد نظم و امنیت عمومی بوده، لذا در راستای برآوردن این نیازها به تدریج نهادهایی نظیر خانواده، آموزش و پرورش و غیره تشکیل شده است. از بین نهادهای اجتماعی، نهاد آموزش و پرورش قدمتی چند هزار ساله دارد. هر نظام آموزشی و پرورشی در بعد پرورشی وظیفه‌ی هدایت، رشد همه جانبه‌ی شخصیت پرورش‌یابندگان خود را در جهت کسب و درک معارف بشری و هنجارهای مورد پذیرش جامعه و نیز کمک به شکوفا شدن استعدادهای آنان و در بعد آموزش، وظیفه‌ی تسهیل یادگیری طی تدبیری از پیش طرح‌ریزی شده را به عهده دارد (قاسمی پویا، ۱۳۸۰). در شرایط کنونی در کشورهای نظیر آلمان، انگلستان، استرالیا، نیجریه، ماداگاسکار، اندونزی، چین، کره جنوبی، مالزی و... ترکیب‌های متفاوتی از مدارس دولتی و خصوصی در راستای انجام رسالت‌های آموزشی و پرورشی افراد جوامع خود را دارند. در کشورهای پیشرفته به اشکال متعدد از کودکان گرفته تا دانشگاه، بخش خصوصی به اشکال متعدد تحت قوانین و آیین‌نامه‌های خاص هر کشور اقدام به راه‌اندازی و اداره‌ی مدارس و دانشگاه‌های خصوصی می‌کنند. در ایران نیز آموزش و پرورش دارای قدمتی کهن است. ولی تأسیس مدارس * این پژوهش با هزینه سازمان آموزش و پرورش استان اصفهان انجام پذیرفته است.

ملی که نمونه‌ای از مدارس خصوصی بوده (و تا اندازه‌ای هم با مدارس غیر انتفاعی امروزی شباهت‌های دارد) به‌اواخر دوره‌ی قاجار باز می‌گردد. به‌ر حال از بدو تأسیس مدارس خصوصی از پیش از انقلاب اسلامی فراز و نشیب‌های زیادی در افزایش و کاهش و یا استقبال و عدم استقبال آحاد جامعه نسبت به‌این مدارس وجود داشته است. پس از پیروزی انقلاب تا سال ۱۳۶۷ بحث‌هایی بر سر ضرورت یا عدم ضرورت تشکیل مدارس غیردولتی وجود داشته که در نهایت در این سال (۱۳۶۷) مجلس شورای اسلامی وقت، قانون تأسیس و راه‌اندازی مدارس غیردولتی را در قالب مدارس غیر انتفاعی به‌تصویب رساند (حاضری، ۱۳۷۷). این مدارس بر اساس مصوبه مجلس شورای اسلامی مدارسی معرفی شدند که از دانش‌آموزان به‌عنوان بخشی از هزینه‌ها و تهیه امکانات شهریه دریافت می‌کنند.

با گذشت نزدیک به‌پانزده سال از تصویب و تأسیس مدارس غیر انتفاعی، به‌نظر می‌رسد که در شرایط کنونی، بستر لازم و مناسبی برای ارزیابی این مدارس توسط افراد جامعه فراهم شده است. همراه با بحث مربوط به‌گروه‌ها، نهادها و طبقات اجتماعی در سطحی خردتر، هر گروه یا نهاد یا طبقه اجتماعی را می‌توان متشکل از عناصری موسوم به‌افراد تلقی نمود که بر پایه نیازهای مشترک گرد هم آمده‌اند (کوئن^(۱)، ۱۳۸۰).

این افراد هر یک دارای باورداشت‌ها، انتظارات، تصورات و نگرش‌هایی هستند که رفتار آنان را به‌طور آشکار و نهان در مقابل پدیده‌های مختلف از خود متأثر می‌سازند (برم و کازین^(۲)، ۱۹۹۹، ارنسون، ویلسون و اکرت^(۳)، ۱۹۹۹، کنزیک، نیوبرگ و سیال‌دینی^(۴)، ۱۹۹۹، تیلور، پیلا و سیرز^(۵)، ۲۰۰۰، بارون و برن^(۶)، ۲۰۰۰، میرز^(۷)، ۱۹۹۳). از این میان نگرش‌ها از طرف روان‌شناسان اجتماعی، توجه زیادی را به‌خود جلب نموده است، به‌گونه‌ای که دسته‌ای از صاحب‌نظران و اندیشمندان تا بدان‌جا پیش رفته‌اند که موضوع اصلی روان‌شناسی اجتماعی را نگرش‌ها ذکر می‌کنند (کریمی، ۱۳۷۵ و ۱۳۷۹). برای نگرش تعاریف مختلفی ارائه شده، ولی تعریف سه مؤلفه‌ای نگرش با تأکید بر شناخت، عاطفه و رفتار، تعریفی است که بیش از همه تعاریف بر آن اتفاق نظر وجود دارد. عنصر شناختی این تعریف در برگرفته‌ی اعتقادات و باورهای افراد درباره‌ی یک شیء، پدیده یا اندیشه، عنصر احساسی و عاطفی معمولاً به‌همراهی نوعی

احساس عاطفی موضوع نگرش و مؤلفه رفتاری آن نیز اشاره‌ای است به‌این حقیقت که شخص دارای یک نگرش خاص، آمادگی عمل نمودن به‌شیوه‌ی خاصی (در صورت مساعد بودن شرایط) را دارد. بر اساس مطالعات وسیع و گسترده‌ای که تا به‌امروز انجام شده، عواملی از قبیل تجربه‌ی مستقیم در معرض قرار گرفتن صرف، شرطی شدن کلاسیک، شرطی شدن کنشگر، الگو و سرمشق گرفتن، مقایسه اجتماعی، حرکات ماهیچه‌ها و عوامل ژنتیکی در شکل‌گیری نگرش‌ها در افراد نقش محوری را بازی می‌کند (کریمی، ۱۳۷۹، السون و زانا^(۸)، ۱۹۹۳، بارون و برن، ۲۰۰۰). در کنار این مطالعات نظریه‌پردازی‌های گوناگونی در قالب نظریه‌ی یادگیری نگرش‌ها، نظریه‌ی هم‌سازی شناخت (شامل نظریه‌ی توازن هایدلر، نظریه‌ی ناهماهنگی شناختی فستینگر و نظریه‌ی ادراک فردی بم). نظریه‌ی انتظار ارزش و نظریه‌ی پاسخ شناختی برای توضیح عناصر دخیل در تغییر نگرش‌ها مطرح شده‌اند (تیلور، پیلا و سیرز، ۲۰۰۰، کنزیک نیوبرگ و سیال‌دینی، ۱۹۹۹). نکته‌ی حائز اهمیت در بحث مربوط به‌نگرش‌ها این‌که شواهد زیادی اکنون در مورد رابطه‌ی نگرش و رفتار در مورد همان موضوع نگرش وجود دارد. بر اساس اطلاعات کنونی وقتی نگرش‌ها نیرومند باشند (کروزنیک، بتس، جاسیم، بولیس^(۹)، ۱۹۹۳)، وقتی نگرش‌ها به‌خوبی در نظام باورهای فردی جای گرفته شده باشند (پرسلین و اولتی^(۱۰)، ۱۹۹۴، کراوس^(۱۱)، ۱۹۹۵) وقتی نگرش‌ها مهم و جدی باشند (بونینگر، کروزنیک و برنت^(۱۲)، ۱۹۹۵)، وقتی نگرش‌ها دارای استواری و ثبات باشند (داویننگ، جادو پروتر^(۱۳)، ۱۹۲۲، روزی و السون^(۱۴)، ۱۹۹۴)، وقتی نگرش‌ها

- 1- Kohen
- 2- Brehm & Kassin
- 3- Aronson, Wilson & Akert
- 4- Kenrick, Neuberg & eialdini
- 5- Taylor , Peplau & Cears
- 6- Baron & Byrne
- 7- Myers
- 8- Olson & Zanna
- 9- Krosnick, Betz, Jussim, Lynn
- 10- Prislina & Oullette
- 11- Kraus
- 12- Boninger, Krosnick & Berent
- 13- Downing, Judd & Brauer

در هنگام رفتار در مقابل یک موضوع نگرشی یا پدیده در دسترس باشند (بلاسکوویچ^(۱۵) و همکاران ۱۹۹۳)، وقتی نگرش‌ها از قبل بر جسته و متمایز شده باشند (پوساواک، سان بون ماشو و فازیو^(۱۶)، ۱۹۹۷)، وقتی که استدلال در بحث نگرش‌های فرد دخالت کند (لوین، هالبرستاد و گلدستون^(۱۷)، ۱۹۹۶)، وقتی که فشارهای موقعیتی برای منجر شدن یک نگرش به رفتار مهیا باشد (مک کانل، لی بولد و شرمان^(۱۸)، ۱۹۹۷)، همسازی بین رفتار و نگرش نیز بالا می‌رود. بر مبنای این پیشینه‌ی غنی علاقه وافر نیز در بین محققان وجود داشته و دارد تا با بررسی نگرش‌های افراد نسبت به پدیده‌های مختلف (از جمله کلیسا، بیمارستان‌ها و آموزش و پرورش) زمینه‌ی بروز رفتارهای حال و آینده آنان را نسبت به همین پدیده‌ها را بهتر متوجه شوند. در مجموع بر مبنای ابعاد آموزشی و پرورشی و اقتصادی و اجتماعی نظام‌های آموزش و پرورش در سرتاسر دنیا، به نظر می‌رسد که گرایش‌های نگرشی در میان افراد جامعه بر مبنای همین چهار بعد نیز قابل بررسی باشد. در میان تنوع مدارس در قالب مدارس دولتی و غیر انتفاعی در کشورهای مختلف، نظرات، ایده‌ها و نگرش‌های متعددی نیز نسبت به عملکرد مدارس مختلف وجود دارد. مدارس خصوصی (در خارج از ایران) و مدارس غیر انتفاعی (در داخل ایران) تقریباً در اغلب کشورها به اشکال مختلف واکنش‌هایی را برانگیخته است (پیس سیوتا^(۱۹)، ۱۹۹۹، قاسمی پویا، ۱۳۸۰).

این‌گونه واکنش‌ها که به اشکال مختلف در نظرات و نگرش‌های آحاد و طبقات مختلف جوامع منعکس شده نشان می‌دهد که خوشه‌های نگرشی مثبتی نسبت به وضعیت آموزش در مدارس خصوصی وجود دارد (ایلی و رومانو^(۲۰)، ۱۹۹۸). البته بنا بر گزارش‌های تحقیقی متفاوت حتی در خارج از ایران نیز تنوع وسیعی در میان مدارس خصوصی از نظر عملکرد آموزشی وجود دارد (برای مثال فردکین و توماس^(۲۱) ۱۹۹۷؛ مدرسی و ستر^(۲۲) ۲۰۰۱، اسکیدلزکی^(۲۳) ۲۰۰۳). البته این تفاوت به‌باور محققانی چون فردکین و توماس (۱۹۹۷) به مبنای اعتقادی، مذهبی، اجتماعی و اقتصادی پایه‌گذاران مدارس خصوصی بستگی دارد. بر اساس شواهد موجود در کشورهایی که مدارس غیردولتی و خصوصی امکانات و تجهیزات بهتری را در اختیار دانش‌آموزان خود قرار می‌دهند، طبیعی است که بازدهی آموزش آنان بالاتر باشد (لازی بیلی و پنگتان^(۲۴)، ۲۰۰۳). ولی چنانچه این شرایط

میان مدارس دولتی و غیردولتی یکسان باشد یا حتی در برخی موارد نظیر مؤسسات آموزش عالی دولتی (به دلیل وجود حمایت‌ها و اعتبارات مالی فراوان دولتی) این امکانات و تسهیلات در حد مطلوب‌تری باشد، کیفیت و پیشرفت تحصیلی و آموزشی بهتر و بیشتر ممکن است در بخش دولتی به وقوع پیوندد. در کنار عامل امکانات و تجهیزات، کیفیت محیط خانوادگی کودکان و دانش‌آموزان، دسترسی به منابع آموزشی و کتاب‌های مرجع و مفید، کیفیت تسهیلات و امکانات فیزیکی، کتاب‌های درسی و همچنین کیفیت نحوه‌ی ورود به مدارس از عواملی هستند که در بازدهی مدارس هم در سطح اجتماعی و هم در سطح اقتصادی بعدی تأثیر می‌گذارند. به‌باور محققانی چون فردکین و توماس (۱۹۹۷) و لازی بیلی و پنگ تان (۲۰۰۳) هر یک از این عوامل خود باعث شکل‌گیری فرایند آموزشی مؤثرتر می‌گردند و به ترتیب بازدهی و در نهایت برتری برخی مدارس خصوصی نسبت به مدارس دولتی (حداقل در برخی کشورها و در مواردی خاص نظیر مدارس خصوصی بسیار مشهور و معروف) را به همراه می‌آورد. از طرف دیگر مدارس غیر انتفاعی در ایران به‌باور محققانی چون قاسمی پویا (۱۳۸۰)، مسعودی فر (۱۳۷۹) دارای این شهرت هستند که از سطح آموزشی مطلوب‌تری نسبت به مدارس دولتی برخوردارند. این شهرت در مواردی توسط محققان دیگر (بابانیا، ۱۳۷۴. کفاش، ۱۳۷۶) تأیید و در مواردی دیگر با علامت سؤال (برای مثال یزدان‌پناه، ۱۳۷۷) مواجه است. این ناهمگنی میان مدارس غیر انتفاعی در ایران از نظر آموزش و پرورش نگرش‌های افراد جامعه را نیز دچار چند قطبی شدن نموده است. در این روند، دو قطب موافقان و مخالفان مدارس

14- Roese & Olson

15- Blascovich, Erast, Tomaka, Kelsey, Salomon, Fazio

16- Posavac, Sanbonmatsu & Fazio

17- Levine, Hallberstadt & Goldstone

18- Mc Connell, Leibold & Sherman

19- Pisciotta 20- Epp;e & Eomano

21- Freidkin & Thomas

22- Morse - Wooster 23- Skidelsky

24- Hodge

غیر انتفاعی هر یک بر ضعف‌ها و قوت‌های مدارس غیر انتفاعی تأکید نموده و در جهت صحت نظرات و ایده‌های خود شواهدی نیز ارائه نموده‌اند (برای مثال سجادی، ۱۳۷۳. پورقاسمی، ۱۳۷۴).

به‌ر حال گزارش‌های نگرشی در بعد آموزشی نسبت به مدارس غیر انتفاعی تمایل به مثبت بودن نشان می‌دهد، ولی در بعد پرورشی، با تأکید بر شکوفاسازی استعدادها و توانایی‌های دانش‌آموزان اندکی نگرش‌های ابراز شده منفی است (قاسمی پویا، ۱۳۸۰. سوداگر، ۱۳۷۳. رشیدی، ۱۳۷۴. مسعودی فر، ۱۳۷۹. مبتصری، ۱۳۷۴).

در میان کشورهای خارجی مثل آمریکا یا انگلستان که تحقیقات نسبتاً وسیعی بر روی مدارس خصوصی انجام شده شواهد نشان می‌دهد که مدارس خصوصی از نظر زمانی که صرف تربیت و آموزش دانش‌آموزان خود می‌کنند، نسبت به مدارس دولتی برتری دارند (هادجی^(۱)، ۱۹۹۷. بریج هاوس^(۲)، ۲۰۰۱). این زمان صرف شده اضافی‌تر، به‌نظر محققانی چون بریج هاوس (۲۰۰۱) چنانچه به شکوفاسازی استعدادها و تربیت اخلاقی و رفتاری مطلوب‌تری منجر شود، تعجب‌آور نیست. تحقیقات و بررسی‌های قبلی محققانی چون اسکالر^(۳) (۱۹۷۹) نیز برتری نسبی عملکرد پرورشی مدارس خصوصی وابسته به کلیساهای پروتستان در آمریکا را تأیید نموده است. ابعاد اجتماعی و اقتصادی، تقریباً بیش‌ترین واکنش‌ها نسبت به مدارس خصوصی در خارج از ایران و مدارس غیر انتفاعی در داخل ایران در سطوح مخالفت‌ها و موافقت‌ها و به‌طور کلی نگرش نسبت به این مدارس پدید آورده‌اند. در سطح اجتماعی مقبولیت اجتماعی این نوع مدارس از طرف مردم هم‌خوانی عملکرد این مدارس با ارزش‌ها و اعتقاداتی که افراد جوامع برای آن ارزش عقلانی قائل هستند، نظیر عدالت و برابری اجتماعی و برابری فرصت‌های دسترسی به منابع و امکانات اجتماعی مطرح است. در بعد اقتصادی نیز نگرش‌ها حول محور تأثیرات اقتصادی این مدارس بر خانواده‌ها و در سطح کلی‌تر بر اجتماع دور می‌زند. در بسیاری از کشورها چنین تصویری وجود دارد که مدارس غیردولتی به‌دلیل وجود فرصت‌های مطلوب آموزشی، موجبات تحولات اقتصادی را فراهم می‌کنند (یتگا^(۴)، ۱۹۹۹. لازی بیلی و پنگ تان، ۲۰۰۳). در برخی از کشورها (از جمله آمریکا) از جمله تأثیرات اجتماعی مدارس چندگانه‌ی

دولتی و غیردولتی، جداسازی نژادی میان گروه‌های قومی متفاوت است. برای مثال در برخی کشورهای اروپایی و آمریکا نظام کوپنی-حمایتی وجود دارد که طی آن افراد گروه‌های کم درآمد از طبقات پایین اجتماع با حمایت دولت به‌مدارس خصوصی راه می‌یابند. این نوع حمایت‌ها اغلب در راستای تغییر و یا احیاناً بر طرف کردن نگرش‌های منفی نسبت به نظام‌های آموزش غیر دولتی است (فیرلی^(۵)، ۲۰۰۲). به‌طور کلی سیاست‌گذاری‌های آموزش و پرورش در کشورهای مختلف به‌شدت احساس عدالت و برابری اجتماعی و اقتصادی را در افراد جامعه از خود متأثر می‌سازد. این گونه احساسات مبتنی بر بی‌عدالتی و نابرابری اجتماعی بخش اعظمی از نگرش‌ها و به‌تبع آن رفتارهای مربوط در مقابل مدارس خصوصی و غیردولتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و به‌صورت پنهان اعتراضات متعددی را برمی‌انگیزد و در سطح اجتماعی به‌نوعی تبعیض نژادگرایی اجتماعی (یا آپارتاید اجتماعی) منجر می‌شود (هادجی، ۱۹۹۷). (هادجی، ۱۹۹۷) اظهار می‌دارد که چون در برخی از کشورها، و به‌ویژه در آمریکا تعلیم و تربیت در مدارس خصوصی، بیشتر احتمال دارد که به‌پیشرفت آکادمیک سطح بالاتر منجر شود و در عین حال موجبات دستیابی به موفقیت‌های شغلی و اجتماعی بعدی را فراهم سازد، نیاز است تا این تبعیض‌گرایی نابهنجار بر طرف شود (هادجی، ۱۹۹۷، ص ۱۲). نگرش‌های ناساعد در ابعاد اقتصادی و اجتماعی نسبت به مدارس غیر انتفاعی در ایران نیز در پژوهش‌های مختلفی ابراز شده است. برای مثال قاسمی پویا (۱۳۸۰) و حاضری (۱۳۷۷) عمده‌ترین نگرش منفی نسبت به مدارس غیر انتفاعی را پیامدهای نامناسب اجتماعی - فرهنگی ذکر نموده و وجود این مدارس را با جامعه عدالت‌جوی امروزی ایران ناسازگار دانسته‌اند. حج فروش و وثوق (۱۳۷۴) نیز در بررسی خود در مورد نگرش‌های افراد جامعه در بعد اجتماعی تأکید می‌کنند که افراد جامعه بر این باورند که مدارس غیر انتفاعی ویژه فرزندان اقشار مرفه است و در عین حال ذکر می‌کنند که این مدارس سبب طبقاتی شدن آموزش و پرورش می‌شود و یا احیاناً مدارس غیر انتفاعی مخصوص بچه

1- Hodge

2- Brighthouse

3- Schaller

4- Jing

5- Fairly

پولدارهاست و یا مدارس غیر انتفاعی فاصله طبقاتی بین طبقات کم در آمد و پر درآمد را افزایش می دهد. علی رغم چنین نگرش‌ها و باورهای، شواهد ارائه شده از طرف حجج فروش و وثوق (۱۳۷۴) نشان می دهد که اکثریت یا حداقل چیزی بیش از ۵۰ درصد از دانش آموزانی که در مدارس غیر انتفاعی تحصیل می کنند، والدینشان از اقبال فرهنگی و کارمند هستند. چنین وضعیتی شکاف عمیقی را میان نگرش‌ها و باورها نسبت به مدارس غیر انتفاعی و واقعیت‌های موجود نشان می دهد که جای تأمل فراوان دارد. در مجموع به دلیل مواجهه فزاینده خانواده‌ها و افراد جامعه با مدارس غیر انتفاعی و از آنجایی که رفتار افراد جامعه یکی از عوامل محوری در رشد و گسترش مدارس غیر انتفاعی است، در سطح اجتماعی و مدارس (صرف نظر از بخش‌های آکادمیک) است که بخش‌های مخالف و موافق اهمیت زیادی پیدا می کند. از طرف دیگر موفقیت در رشد و توسعه منطقی کیفیت آموزش و پرورش و در عین حال کاربرد قوانین آموزش و پرورش تقریباً به طور کلی به نگرش‌های افراد جامعه نسبت به مدارس بستگی دارد (بیلی و پلیس^(۱)، ۱۹۹۷). ایگلی و چیکن^(۲)، (۱۹۹۲) بحث می کنند که افراد نگرش‌های خود را وقتی با یک پدیده‌ی خاص یا مسأله مواجه می شوند، شکل می دهند. بر همین مبنا بخشی از نگرش‌های افراد جامعه (حداقل در برخی از آن‌ها) نسبت به مدارس غیر انتفاعی ممکن است در اثر رویارویی (مواجهه تجربی) با این مدارس شکل گرفته باشند.

به هر حال از آنجایی که تحقیقات داخلی که در شهرهای مختلف صورت پذیرفته، بعضاً دارای این محدودیت بوده اند که به طور مشخص و تفکیکی نگرش‌ها و نظرات افراد جامعه (در شهرها و یا استان‌های مختلف کشور) را نسبت به ابعاد آموزشی، پرورشی، اجتماعی و اقتصادی مدارس غیر انتفاعی مورد بررسی قرار نداده اند و در عین حال برخی از تحقیقات (مثل حاضری، ۱۳۷۷ و مبتصری، ۱۳۷۴) نتایج خود را از طریق موارد خاص مدارس غیر انتفاعی گزارش نموده اند و بالاخره این که اغلب نظر خواهی‌ها و نگرش‌سنج‌ها از والدین یکی از مقاطع تحصیلی یعنی دبستان، راهنمایی و دبیرستان صورت گرفته است، نه از تمامی آحاد جامعه در سطح شهر، بنابراین در این پژوهش سؤال اصلی مورد پژوهش به صورت زیر طراحی شده است:

نگرش افراد جامعه (والدینی که فرزند مدرسه‌رو در کودکان،

دبستان، راهنمایی، دبیرستان و پیش‌دانشگاهی دارند) نسبت به مدارس غیر انتفاعی در ابعاد آموزشی، پرورشی، اجتماعی و اقتصادی چگونه است؟

روش:

روش پژوهش: در این پژوهش هدف اصلی، بررسی نگرش‌های افراد جامعه نسبت به مدارس غیر انتفاعی در ابعاد آموزشی، پرورشی، اجتماعی و اقتصادی از طریق پرسشنامه بوده، لذا از روش زمینه‌یابی (پیمایشی) استفاده به عمل آمده است.

جامعه آماری: جامعه آماری این پژوهش را کلیه زنان و مردان ساکن در پنج ناحیه‌ی شهری آموزش و پرورش شهر اصفهان که فرزند مدرسه‌رو در کودکان، دوره‌ی ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان و پیش‌دانشگاهی داشته اند، تشکیل شده است. تعداد ساکنان این پنج ناحیه از لحاظ آماری به طور دقیق کاملاً مشخص نبود، لذا بر مبنای تعداد کل دانش‌آموزان پایه‌های کودکان، ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان و با احتساب این که هر یک از دانش‌آموزان به طور فرضی دارای پدر و مادر هستند، تعداد کل دانش‌آموزان را ضرب در دو کرده ۷۶۶۷۲۰ (هفتصد و شصت و شش هزار و هفتصد و بیست نفر) را به عنوان جامعه آماری در نظر گرفته ایم (اطلاعات مبنا برای محاسبه‌ی تعداد جامعه آماری بر اساس شرح فوق از دفترچه آمار اجمالی آموزش و پرورش استان اصفهان، صفحه ۵ و سال تحصیلی ۸۱-۸۰ استخراج شده است).

نمونه و روش نمونه‌گیری: بر اساس جامعه آماری فوق‌الذکر حجم نمونه ۱۵۰۰ نفر در نظر گرفته شد و در عین حال در آخرین مرحله آماده‌سازی ابزار، از بالاترین میانگین و انحراف استاندارد سؤال‌های پرسشنامه نگرش (یعنی سؤال اول از بعد آموزشی که به ترتیب دارای میانگین $\bar{X}=3/320$ و $SD=1/237$ بوده) استفاده کرده و با استفاده از فرمول برآورد حجم نمونه بر مبنای میانگین و انحراف استاندارد نمونه (عمیدی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۸۸) کفایت حجم نمونه در نظر گرفته شده در سطح ۹۵ درصد اطمینان و در حد خطای نسبی ۰/۰۲ قابل اطمینان و اعتماد تشخیص داده شد. در عین حال برای نمونه‌گیری افراد جامعه از

نمونه‌گیری چند مرحله‌ای استفاده به عمل آمده است. به عبارت دیگر، از میان ۱۴۰ خیابان اصلی شهر از روی نقشه شهری، حدود ۳۱ خیابان (در حدود نسبت ۲ به ۱۰) انتخاب و در مراحل بعد ابتدا کوچه‌های این خیابان‌ها و سپس پلاک‌های زوج و فرد منازل به صورت تصادفی انتخاب شدند.

نحوه‌ی ساخت و تهیه پرسشنامه نگرش‌سنج: در ساخت پرسشنامه نگرش‌سنج ابتدا با مروری بر ادبیات پژوهش (اعم از داخلی و خارجی) کلیه نگرش‌های مطرح درباره مدارس غیر انتفاعی استخراج شد (در این قسمت از منابعی نظیر قاسمی پویا، ۱۳۸۰؛ موریش، ۱۳۷۳؛ حاضری، ۱۳۷۷؛ حیدری، ۱۳۷۶؛ رشیدی، ۱۳۷۴ و جلالی، ۱۳۷۶ استفاده به عمل آمده است). طی مرحله‌ی بعدی و در مطالعه‌ی اولیه‌ی نگرش ۵۰ نفر از اعضای جامعه به صورت تصادفی از سطح شهر جمع‌آوری شد. نتایج حاصل از مراحل فوق‌الذکر حدود ۴۰۰ گویه مقدماتی در مورد مدارس غیر انتفاعی بود. در مرحله‌ی بعدی ۴۰۰ گویه به عنوان مخزن سؤال‌ها در نظر گرفته شد. بر اساس محتوای آن‌ها به یکی از ابعاد آموزشی، پرورشی، اجتماعی و اقتصادی دسته‌بندی شدند پس از دسته‌بندی مذکور با ادغام گویه‌های همپوش ۱۲۱ گویه جهت مطالعه‌ی مقدماتی آماده شد، سپس گویه‌ها به سؤال تبدیل و از این ۱۲۱ گویه، ۳۱ گویه مربوط به بعد آموزشی، ۲۵ گویه مربوط به بعد پرورشی ۲۹ گویه مربوط به بعد اجتماعی و ۳۶ گویه مربوط به بعد اقتصادی بوده است. این پرسشنامه ۱۲۱ سؤالی طی مطالعه‌ی مقدماتی بر روی ۶۰ نفر از اعضای جامعه در سطح شهر به صورت تصادفی اجرا گردید. پس از اجرای مقدماتی تحلیل سؤال‌ها و بررسی همسانی درونی حیطه‌ها نشان داد که تعدادی از سؤال‌ها دارای توان مطلوبی جهت سنجش نگرش افراد جامعه نسبت به مدارس غیر انتفاعی نیستند، لذا با در نظر گرفتن استقلال محتوایی سؤال‌ها و وضعیت آن‌ها در ماتریس ضرایب همبستگی با دیگر سؤال‌ها، سؤال‌های مذکور حذف و باقیمانده جهت اجرای نهایی انتخاب شدند.

سؤال‌های نهایی باقی مانده برای اجرا، ۴۸ سؤال بوده که هر دوازده سؤال آن مربوط به یکی از حیطه‌های آموزشی، پرورشی اجتماعی و اقتصادی بوده است.

ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه نگرش‌سنج: روایی پرسشنامه نگرش‌سنج از طریق روایی ظاهری و محتوایی توسط

تنی چند از کارشناسان مدارس غیر انتفاعی سازمان آموزش و پرورش استان اصفهان و یکی از اساتید دانشگاه مورد بررسی و تأیید قرار گرفته است. البته از بعد محتوایی نیز تک تک سؤال‌ها با ابعاد آموزشی، پرورشی، اجتماعی و اقتصادی تطبیق داده شده است. در بررسی پایایی پرسشنامه، ابتدا همسانی درونی هر یک از ۱۲ سؤال ابعاد چهارگانه بررسی که بین ۰/۷۸ تا ۰/۸۹ در نوسان بودند و همسانی درونی (آلفای کرونباخ) کل پرسشنامه نگرش‌سنج ۰/۹۴ به دست آمد. در پایایی زمانی، از روش بازآزمایی با چهار هفته فاصله (و بر روی ۴۰ نفر) استفاده به عمل آمده که ضرایب بین ۰/۴۸۵ برای بعد پرورشی تا ۰/۷۱ برای بعد اقتصادی در نوسان بوده است.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها: در تحلیل و بررسی آماری داده‌ها از شاخص‌های گرایش مرکزی نظیر میانگین و انحراف استاندارد هر یک از سؤال‌ها و در بررسی استنباطی داده‌ها، از آزمون پارامتریک t یک نمونه‌ای استفاده به عمل آمده است. از آنجایی که طیف نگرش‌سنج مورد استفاده در این پژوهش بر مبنای طیف لیکرت (کاملاً مخالفم، مخالفم، نظری ندارم، موافقم و کاملاً موافقم) بوده، سطح اندازه‌گیری داده‌ها فاصله‌ای در نظر گرفته شده است. از طرف دیگر بر اساس متون متعدد (نظیر شریفی و شریفی، ۱۳۸۰) روش مقایسه میانگین هر سؤال را با میانگین ثابت ۳، که ملاک عددی نگرش متوسط در هر سؤال محسوب می‌شود را برای منفی یا مثبت بودن نگرش در هر سؤال معرفی نموده‌اند، از آزمون t یک نمونه‌ای (جهت مقایسه میانگین هر سؤال با میانگین ثابت ۳) استفاده به عمل آمده است. از طرف دیگر جهت بررسی نرمال بودن توزیع نگرش‌ها به عنوان یکی از پیش فرض‌ها اجرای آزمون‌های پارامتریک نظیر آزمون t از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف استفاده به عمل آمد و نرمال بودن توزیع نگرش‌ها تأیید گردید.

یافته‌ها

در راستای بررسی گرایش‌های نگرشی افراد جامعه نسبت به ابعاد آموزشی، پرورشی، اجتماعی و اقتصادی مدارس غیر انتفاعی در زیر به تفکیک هر یک از سؤال‌ها و ابعاد چهارگانه، اطلاعات مربوط به میانگین، انحراف استاندارد و نتایج بررسی و مقایسه میانگین هر سؤال با میانگین ثابت ۳ ارائه شده است. در

جدول (۱) میانگین انحراف استاندارد و نتایج آزمون t بعد آموزشی ارائه شده است.

جدول (۱) میانگین انحراف استاندارد و نتایج آزمون t یک نمونه‌ای بعد آموزشی

شاخصهای آماری سؤال‌ها	میانگین	انحراف استاندارد	خطای استاندارد میانگین	مقدار t	درجه آزادی	تفاوت میانگین	معناداری
سؤال اول	۳/۳۲	۱/۲۴	$3/19E-02$	۱۰/۰۲۲	۱۴۹۹	۰/۳۲	۰/۰۰۰
سؤال دوم	۲/۶۵	۱/۲۵	$3/23E-02$	-۱۰/۶۹۸	۱۴۹۹	-۰/۳۵	۰/۰۰۰
سؤال سوم	۲/۸۷	۱/۲۲	$3/15E-02$	-۴/۱۲۳	۱۴۹۹	-۰/۱۳	۰/۰۰۰
سؤال چهارم	۲/۶۴	۱/۱۳	$2/93E-02$	-۱۲/۱۹۲	۱۴۹۹	-۰/۳۶	۰/۰۰۰
سؤال پنجم	۲/۵۴	۱/۲۱	$3/12E-02$	-۱۴/۶۶۷	۱۴۹۹	-۰/۴۶	۰/۰۰۰
سؤال ششم	۲/۵۸	۱/۱۲	$2/89E-02$	-۱۴/۵۷۹	۱۴۹۹	-۰/۴۲	۰/۰۰۰
سؤال هفتم	۲/۶۹	۱/۲۱	$3/12E-02$	-۱۰/۰۵۷	۱۴۹۹	-۰/۳۱	۰/۰۰۰
سؤال هشتم	۲/۷۹	۱/۲۴	$3/21E-02$	-۶/۵۷۶	۱۴۹۹	-۰/۲۱	۰/۰۰۰
سؤال نهم	۲/۹۸	۱/۲۱	$3/13E-02$	-۰/۰۳۲	۱۴۹۹	$-1/67E-02$	۰/۵۹۵
سؤال دهم	۲/۰۸	۰/۹۲	$2/38E-02$	-۳۸/۵۵۲	۱۴۹۹	-۰/۹۲	۰/۰۰۰
سؤال یازدهم	۱/۶۷	۰/۸۵	$2/19E-02$	-۶۰/۹۵۵	۱۴۹۹	-۱/۳۳	۰/۰۰۰
سؤال دوازدهم	۲	۰/۹۸	$2/53E-02$	-۳۹/۵۹۶	۱۴۹۹	-۱	۰/۰۰۰

چنانچه در جدول (۱) قابل مشاهده است، فقط سؤال اول (خانواده‌هایی که بچه‌های خود را به مدارس غیر انتفاعی می‌فرستند، فقط به دنبال گرفتن مدرک هستند) از میانگین ثابت ۳ بزرگتر است و معناداری مزبور ($P=0$ و $t=10/022$) نیز نشان می‌دهد که این نگرش مثبت معنادار است. در دیگر سؤال‌ها به جز سؤال نهم با مضمون مدارس غیر انتفاعی فقط تبلیغ می‌کنند، خبری از آموزش بهتر در آن‌ها نیست که میانگین سؤال برابر با ۲/۹۸ بوده و از میانگین ثابت ۳ با $P=0/595$ هم معنادار نیست. کلیه میانگین‌ها برای سؤال‌های دیگر کمتر از میانگین ثابت ۳ (با

کمترین میانگین برای سؤال یازدهم با ۱/۶۷ و بالاترین میانگین برای سؤال با ۲/۸۷) است و کلیه این میانگین‌ها هم از میانگین یا متوسط نگرش در هر سؤال تفاوت معناداری (با $P=0$) برای کلیه سؤال‌های باقیمانده دارند. این شواهد نشان می‌دهد که در ۱۰ سؤال از دوازده سؤال نگرش منفی، یک سؤال نگرش متوسط و یک سؤال نگرش مثبت نسبت به بعد آموزش در مدارس غیر انتفاعی وجود دارد. در جدول (۲) اطلاعات مربوط به بعد پرورشی پرسشنامه نگرش سنج ارائه شده است.

جدول (۲) میانگین، انحراف استاندارد و نتایج آزمون t یک نمونه‌ای در بعد پرورشی

شاخصهای آماری سؤال‌ها	میانگین	انحراف استاندارد	خطای استاندارد میانگین	مقدار t	درجه آزادی	تفاوت میانگین	معناداری
سؤال اول	۲/۲۰	۱/۰۱	$2/19E-02$	-۳۰/۴۹۱	۱۴۹۹	-۰/۸۰	۰/۰۰۰
سؤال دوم	۲/۴۷	۱/۰۵	$2/72E-02$	-۱۹/۵۵۸	۱۴۹۹	-۰/۵۳	۰/۰۰۰
سؤال سوم	۲/۵۸	۱/۱۱	$2/87E-02$	-۱۴/۷۷۴	۱۴۹۹	-۰/۴۲	۰/۰۰۰
سؤال چهارم	۲/۵۶	۱/۱۵	$2/97E-02$	-۱۴/۶۳۸	۱۴۹۹	-۰/۴۴	۰/۰۰۰
سؤال پنجم	۲/۸۷	۱/۱۰	$2/85E-02$	-۴/۴۹۲	۱۴۹۹	-۰/۱۳	۰/۰۰۰
سؤال ششم	۲/۹۸	۰/۹۴	$2/43E-02$	-۰/۹۸۹	۱۴۹۹	$-2/40E-02$	۰/۳۲۳
سؤال هفتم	۲/۸۱	۱/۰۶	$2/75E-02$	-۶/۸۷۰	۱۴۹۹	۰/۱۹	۰/۰۰۰
سؤال هشتم	۲/۹۷	۱/۱۵	$2/96E-02$	-۱/۱۰۴	۱۴۹۹	$-3/27E-02$	۰/۲۷
سؤال نهم	۳/۰۵	۱/۲۵	$3/22E-02$	۱/۶۱۶	۱۴۹۹	$-5/20E-02$	۰/۱۰۶
سؤال دهم	۲/۳۰	۱/۰۷	$2/77E-02$	-۲۵/۳۶۴	۱۴۹۹	-۰/۷۰	۰/۰۰
سؤال یازدهم	۲/۳۷	۱/۱۱	$2/86E-02$	-۲۲/۰۶۳	۱۴۹۹	-۰/۶۳	۰/۰۰۰
سؤال دوازدهم	۲/۹۲	۱/۱۷	$3/03E-02$	-۲/۵۷۳	۱۴۹۹	$-7/8E-02$	۰/۰۱۰

سؤال هشتم (با مضمون تربیت دانش‌آموزان برای مسئولیت‌پذیری بیشتر در جامعه در مدارس غیر انتفاعی به دست فراموشی سپرده شده است) و سؤال نهم (با مضمون هیچ وقتی از مدارس

چنانچه در جدول (۲) ملاحظه می‌گردد، سؤال ششم (با مضمون معلوم نیست چرا مدارس غیر انتفاعی این قدر نسبت به ارج نهادن دانش‌آموزانشان به حقوق جامعه و دیگران بی‌توجه هستند)

غیر انتفاعی خوشم نیامده است؟ که دارای بار احساس و یا عاطفی از بعد نگرشی است) با میانگین‌های ۹۸، ۲، ۹۷، ۲ و ۳/۰۵ به ترتیب تفاوت معناداری ($P > ۰/۰۵$) با میانگین ثابت ۳ که نشان دهنده‌ی نگرش متوسط (یعنی نه منفی و نه مثبت) ندارد، دیگر سؤال‌ها (یعنی سؤال‌های یک و دو و سه و چهار و پنج و هفت و ده و یازده و دوازده) همگی دارای میانگین کمتر از ۳ بوده و در عین حال از میانگین ثابت ۳ تفاوت معناداری (با کمتری

$P = ۰$ و $t = ۲/۵۷۳$ برای سؤال دوازدهم و بیشترین $P = ۰$ و $t = -۳۰/۴۹۱$ (برای سؤال اول) داشته‌اند. بنابراین نتیجه‌گیری می‌شود که در سه سؤال مربوط به بعد پرورشی نگرش‌ها متوسط و در نه سؤال دیگر، نگرش‌ها نسبت به مدارس غیر انتفاعی در بعد پرورشی منفی است. در جدول (۳) اطلاعات مربوط به نگرش‌ها نسبت به بعد اجتماعی مدارس غیر انتفاعی ارائه شده است.

جدول (۳) میانگین، انحراف استاندارد و نتایج آزمون t یک نمونه‌ای در بعد اجتماعی

شاخصهای آماری سؤال‌ها	میانگین	انحراف استاندارد	خطای استاندارد میانگین	مقدار t	درجه آزادی	تفاوت میانگین	معناداری
سؤال اول	۲/۴۹	۱/۰۷	$۲/۷۷E-۰۲$	-۱۸/۵۰۳	۱۴۹۹	-۰/۵۱	۰/۰۰۰
سؤال دوم	۲/۶۹	۱/۰۶	$۲/۷۳E-۰۲$	-۱۱/۳۱۵	۱۴۹۹	-۰/۳۱	۰/۰۰۰
سؤال سوم	۲/۷۳	۱/۱۹	$۲/۰۸E-۰۲$	-۸/۷۸۶	۱۴۹۹	-۰/۲۷	۰/۰۰۰
سؤال چهارم	۲/۲۶	۱/۱۵	$۲/۹۶E-۰۲$	-۲۵/۱۶۳	۱۴۹۹	-۰/۷۴	۰/۰۰۰
سؤال پنجم	۲/۵۰	۱/۱۸	$۳/۰۳E-۰۲$	-۱۶/۳۷۸	۱۴۹۹	-۰/۵	۰/۰۰۰
سؤال ششم	۲/۵۵	۱/۱۹	$۳/۰۷E-۰۲$	-۱۴/۵۹۴	۱۴۹۹	-۰/۴۵	۰/۰۰۰
سؤال هفتم	۲/۴۹	۱/۱۹	$۳/۰۸E-۰۲$	-۱۶/۶۶۹	۱۴۹۹	-۰/۵۱	۰/۰۰۰
سؤال هشتم	۲/۱	۱/۱۵	$۲/۹۶E-۰۲$	-۲۹/۲۵۸	۱۴۹۹	-۰/۸۷	۰/۰۰۰
سؤال نهم	۲/۰۳	۱/۱۰	$۲/۸۵E-۰۲$	-۳۴/۰۳۳	۱۴۹۹	-۰/۹۷	۰/۰۰۰
سؤال دهم	۲/۱۹	۱/۰۹	$۲/۸۲E-۰۲$	-۲۸/۵۶۲	۱۴۹۹	-۰/۸۱	۰/۰۰۰
سؤال یازدهم	۲/۵۸	۱/۱۵	$۲/۹۶E-۰۲$	-۱۴/۲۹۴	۱۴۹۹	-۰/۴۲	۰/۰۰۰
سؤال دوازدهم	۳/۰۷	۱/۲۲	$۲/۱۴E-۰۲$	۲/۰۷۸	۱۴۹۹	$۶/۵۳E-۰۲$	۰/۰۳۸

چنانچه در جدول (۳) ملاحظه می‌شود میانگین سؤال‌های اول تا یازدهم (با کمترین میانگین برای سؤال نهم با $۲/۰۳$ و بیشترین میانگین برای سؤال سوم با $۲/۷۳$) از میانگین ثابت سه کمتر است و در عین حال آزمون t انجام شده (با کمترین t برای سؤال سوم با $-۸/۷۸۶$ و بیشترین t منفی برای سؤال نهم با $-۳۴/۰۳۳$) نشان می‌دهد که کلیه t های منفی به دست آمده با صددرصد اطمینان ($P = ۰$ و $P < ۰/۰۵$) معنادار است. اما در

سؤال دوازدهم با میانگین $۳/۰۷$ (که از میانگین ثابت ۳ بزرگتر است) t به دست آمده مثبت (برابر با $۲/۰۷۸$) و معنادار ($P = ۰/۰۳۸$ و $P < ۰/۰۵$) است. بنابراین نتیجه‌گیری می‌شود که در بعد اجتماعی در یازده سؤال اول نگرش منفی و در یک سؤال (سؤال دوازدهم) نگرش مثبتی نسبت به مدارس غیر انتفاعی وجود داشته است. در جدول (۴) اطلاعات مربوط به نگرش‌ها در بعد اقتصادی نسبت به مدارس غیر انتفاعی ارائه شده است.

جدول (۴) میانگین، انحراف استاندارد و نتایج آزمون t یک نمونه‌ای در بعد اقتصادی

شاخصهای آماری سؤال‌ها	میانگین	انحراف استاندارد	خطای استاندارد میانگین	مقدار t	درجه آزادی	تفاوت میانگین	معناداری
سؤال اول	۲/۴۶	۱/۳۲	$۳/۴۲E-۰۲$	-۱۵/۸۴۷	۱۴۹۹	-۰/۵۴	۰/۰۰۰
سؤال دوم	۲/۴۹	۱/۳۰	$۳/۳۵E-۰۲$	-۱۵/۳۰۵	۱۴۹۹	-۰/۵۱	۰/۰۰۰
سؤال سوم	۲/۳۹	۱/۱۶	$۳/۰۰E-۰۲$	-۲۰/۱۴۴	۱۴۹۹	-۰/۶۱	۰/۰۰۰
سؤال چهارم	۲/۴۴	۱/۱۷	$۳/۰۱E-۰۲$	-۱۸/۷۷۱	۱۴۹۹	-۰/۵۶	۰/۰۰۰
سؤال پنجم	۲/۲۲	۱/۱۶	$۳/۰۰E-۰۲$	-۲۵/۸۹۹	۱۴۹۹	-۰/۷۸	۰/۰۰۰
سؤال ششم	۲/۹۲	۱/۲۹	$۳/۳۳E-۰۲$	-۲/۴۴۳	۱۴۹۹	$-۸/۱۳E-۰۲$	۰/۰۱۵
سؤال هفتم	۲/۴۸	۰/۹۷	$۲/۵۲E-۰۲$	-۲۰/۵۲۸	۱۴۹۹	-۰/۵۲	۰/۰۰۰
سؤال هشتم	۲/۰۷	۱/۱۶	$۲/۹۹E-۰۲$	-۳۱/۲۳۳	۱۴۹۹	-۰/۹۳	۰/۰۰۰
سؤال نهم	۲/۱۴	۱/۱۱	$۲/۸۷E-۰۲$	-۲۹/۸۲۲	۱۴۹۹	-۰/۸۶	۰/۰۰۰
سؤال دهم	۱/۹۷	۱	$۲/۵۹E-۰۲$	-۳۹/۸۰۴	۱۴۹۹	-۱/۰۳	۰/۰۰۰
سؤال یازدهم	۲/۸۳	۱/۲۵	$۳/۲۳E-۰۲$	-۵/۳۰۱	۱۴۹۹	-۰/۱۷	۰/۰۰۰
سؤال دوازدهم	۱/۸۹	۱/۵۰	$۲/۷۲E-۰۲$	-۴۰/۷۲۳	۱۴۹۹	-۱/۱۱	۰/۰۳۸

چنانچه در جدول (۴) مشاهده می‌شود کلیه میانگین‌های

مربوط به دوازده سؤال بعد اقتصادی (با کمترین میانگین برای

۰/۰۵ < P برای سؤال اول، دوم، سوم، چهارم، پنجم، هفتم، هشتم، نهم، دهم و یازدهم است. بنابراین نتیجه‌گیری می‌شود که نگرش‌های ابراز شده در سؤال‌های دوازده‌گانه اقتصادی نسبت به مدارس غیر انتفاعی منفی است.

در سطح کلی در ابعاد آموزشی، پرورشی، اجتماعی و اقتصادی و نگرش کلی (حاصل جمع چهار بعد فوق‌الذکر) نیز بررسی‌هایی صورت گرفته که اطلاعات آن در جدول (۵) ارائه شده است.

جدول (۵) میانگین، انحراف استاندارد و نتایج آزمون t یک نمونه نگرش کلی در ابعاد آموزش، پرورش، اجتماعی و اقتصادی و نگرش کلی

شاخصهای آماری سؤال‌ها	میانگین	انحراف استاندارد	خطای استاندارد میانگین	مقدار t	درجه آزادی	تفاوت میانگین	معناداری
آموزشی	۳۰/۸۱	۷/۴۱	۰/۱۹	-۲۷/۱۱۶	۱۴۹۹	-۵/۱۹	۰/۰۰۰
پرورشی	۳۲/۰۸	۷/۷۲	۰/۲۰	-۱۹/۶۷۹	۱۴۹۹	-۳/۹۲	۰/۰۰۰
اجتماعی	۲۹/۷۱	۸/۳۸	۰/۲۲	-۲۹/۱۰۸	۱۴۹۹	-۶/۲۹	۰/۰۰۰
اقتصادی	۲۸/۳۰	۹/۴۴	۰/۲۴	-۳۱/۶۰۹	۱۴۹۹	-۷/۷۰	۰/۰۰۰
نگرش کلی	۱۲۰/۸۹	۲۸/۱۷۸	۰/۷۲۷۶	-۳۱/۷۵	۱۴۹۹	۲۳-/۱۰۴۷	۰/۰۰۰

انتفاعی از نظر تحصیل با انگیزه‌تر از دانش‌آموزان دیگر مدارس هستند»، «مدارس غیر انتفاعی و تحصیل در آن موجب راه‌یابی بهتر به دانشگاه می‌شود»، «با تعریف و تمجیدهایی که از مدارس غیر انتفاعی می‌شنویم ثبت نام فرزندان در آن امر معقولی است»، «بهترین شرایط رقابت آموزشی در مدارس غیر انتفاعی وجود دارد»، «نمراتی که دانش‌آموزان مدارس غیر انتفاعی در این مدارس می‌گیرند به واقعیت نزدیک نیست»، «مدارس غیر انتفاعی آموزش برتر ارائه نمی‌کنند بلکه فقط تبلیغ می‌کنند»، «بهتر می‌بود اگر بر کیفیت آموزشی در مدارس غیر انتفاعی کنترل بیشتری اعمال می‌شد»، «اگر بخواهم فرزندم را در مدارس غیر انتفاعی ثبت نام کنم، نسبت به معلمان آن خوب تحقیق می‌کردم»، «بهتر است به آموزش دقیق‌تر در مدارس غیر انتفاعی توجه بیشتری شود» مطرح بودند. شواهد مربوط به بررسی نگرش‌های ابراز شده در سؤال‌های دوازده‌گانه بعد آموزشی نشان داد که فقط در سؤال اول نگرش‌های افراد جامعه نسبت به مدارس غیر انتفاعی مثبت و در دیگر موارد نگرش‌ها نسبت به این مدارس منفی بود. به‌ویژه در مورد این‌که باید بر کیفیت آموزش در این مدارس کنترل بیشتری اعمال شود. گرایش‌های نگرشی موافق نیرومند بود.

سؤال دوازدهم با ۱/۸۹ و بیشترین میانگین برای سؤال ششم با ۲/۹۲ (کمتر از میانگین ثابت ۳ (که نشان دهنده نگرش متوسط و یا به عبارت دیگر نه مثبت و نه منفی) می‌باشد. نتایج آزمون t یک نمونه‌ای انجام شده نیز نشان می‌دهد که تمام t‌های به دست آمده منفی (با کمترین t منفی برای سؤال ششم با ۲/۴۴۳- و بیشترین t منفی برای سؤال دوازدهم با ۴۰/۷۲۳-) می‌باشد. تمام t‌های منفی به دست آمده نیز معنادار (با کمترین معناداری برای سؤال دوازدهم برابر $P=0/038$ تا بیشترین معناداری با $P=0$)

چنانچه در جدول (۵) قابل ملاحظه است، میانگین چهار بعد آموزشی، پرورشی، اجتماعی و اقتصادی از میانگین ۳۶ (که حاصل میانگین ۱۲ سؤال هر بعد به‌طور کلی است) کمتر است و در عین حال بر اساس آزمون t انجام شده کلیه t‌های چهار بعد فوق‌الذکر منفی و معنادار ($P < 0/05$) است. در بعد نگرش کلی (که حاصل جمع نگرش‌های چهار بعد آموزشی، پرورشی، اجتماعی و اقتصادی است) میانگین کل مقیاس در سطح نگرش متوسط ۱۴۴ است که میانگین به دست آمده از آن کوچک‌تر و t منفی آن نیز معنادار ($P < 0/05$) است. لذا در سطح چهار بعد و کل نگرش‌ها نسبت به مدارس غیر انتفاعی منفی بوده است.

بحث و نتیجه‌گیری

نگرش‌های اعلام شده نسبت به مدارس غیر انتفاعی در بخش نتایج ارائه شد. در بعد آموزشی، مضامینی نظیر «مدارس غیر انتفاعی صرفاً مدرک می‌دهند» و «آموزش آینده‌ساز ارائه نمی‌کنند»، «مدارس غیر انتفاعی باعث بالا رفتن رقابت آموزشی در مدارس دولتی می‌شوند»، «تحصیل در مدارس غیر انتفاعی به موفقیت آموزشی بیشتری منجر می‌شود»، «دانش‌آموزان غیر

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که نگرش‌های ابراز شده نسبت به آموزش در مدارس غیر انتفاعی با نتایج حاصل از تحقیقات محققانی چون قاسمی پویا (۱۳۸۰) و حاضری (۱۳۷۷) مبنی بر این‌که وضعیت آموزش در مدارس غیر انتفاعی بهتر از مدارس دیگر و از جمله مدارس دولتی است، همسویی ندارد. ولی با تحقیقات محققانی چون جلالی (۱۳۷۴) همسویی نشان می‌دهد. در عین حال نتایج حاصل از این تحقیق با تحقیقات مسعودی فر (۱۳۷۹)، رستمی (۱۳۷۵) و رشیدی (۱۳۷۴) که اعلام داشته‌اند افراد جامعه در شهرستان‌های دیگر هم نسبت به مدارس غیر انتفاعی نگرش منفی دارند، همسویی نسبی نشان می‌دهد. چنانچه مشخص است یافته‌های حاصل از نظرسنجی‌ها و نگرش‌سنجی‌ها در ایران دارای همسویی مشخص نمی‌باشد. به عبارت دیگر گروهی از تحقیقات خبر از برتری آموزشی در مدارس غیر انتفاعی نسبت به مدارس دولتی می‌دهند و گروه دیگر این برتری را زیر سؤال برده‌اند. این روند در تحقیقات خارج نظیر ایلی و رومانو (۱۹۹۸) نیز به‌طور نسبی نشان داده شده است. به عبارت کلی‌تر تنوع نگرش‌ها و نظرات نسبت به مدارس خصوصی در خارج از ایران و مدارس غیر انتفاعی در ایران به نظر امری فراگیر و کلی است، همان‌طور که در تحقیقات و یا بررسی‌هایی که از طریق مصاحبه و یا مشاهده حضوری (مانند یزدان‌پناه، ۱۳۷۷) صورت گرفته نشان داده شده در ایران هم تنوع وسیعی میان مدارس غیر انتفاعی و خصوصی وجود دارد. لذا ممکن است نگرش‌های منفی ابراز شده توسط افراد جامعه صرفاً بر اساس موارد محدود و یا وسیع مواجهه افراد جامعه با مدارس غیر انتفاعی که کیفیت آموزشی مطلوب در آن‌ها چندان جامه‌ی عمل پوشیده نشده، شکل گرفته باشد. در عین حال منابع اطلاعاتی و خبررسان نیز که به‌طور رسمی و غیر رسمی وضعیت آموزش در مدارس غیر انتفاعی را اطلاع می‌دهند، نیز ممکن است در شکل‌گیری این نگرش‌های منفی نقش داشته باشند. علاوه بر این، این احتمال وجود دارد که نگرش‌های افراد جامعه مبتنی بر واقعیات نباشد. چرا که احتمال می‌رود که این نگرش‌ها بر اطلاعات نادرست اشاعه داده شده در مورد ضعیف بودن کیفیت

آموزشی در مدارس غیر انتفاعی مبتنی باشد. بالاخره این‌که احتمالاً به دلیل دریافت شهریه در مدارس غیر انتفاعی که اساساً در آمدی و مالی است افراد جامعه نگرش منفی خود را نسبت به مسأله‌ی دریافت پول برای تحصیل به‌امر آموزش و یا پرورش در مدارس غیر انتفاعی هم تعمیم داده باشند.

در بعد پرورشی نیز سؤال‌هایی با این مضامین مطرح شده است. «مدارس غیر انتفاعی شایسته‌ترین افراد را تربیت می‌کنند»، «تحصیل در مدارس غیر انتفاعی باعث شکفته شدن استعداد دانش‌آموزان می‌شود»، «تحصیل در مدارس غیر انتفاعی آینده‌ای در خشان‌تر را به‌ارمغان می‌آورد»، «دانش‌آموزان مدارس غیر انتفاعی، افراد مؤدب و خوش رفتاری هستند»، «مدارس غیر انتفاعی در مورد ارج نهادن دانش‌آموزانشان به حقوق جامعه و دیگران بی‌توجه هستند»، «ارزش‌های تربیتی در مدارس غیر انتفاعی فدای منافع گردانندگان آن می‌شود»، «تربیت مسؤلیت‌پذیری در مدارس غیر انتفاعی به‌دست فراموشی سپرده شده است»، «این‌که احساس خوبی نسبت به مدارس غیر انتفاعی ندارم» که سؤال‌ی دارای بار عاطفی و احساسی در بعد نگرش‌سنجی است «ای کاش مسائل اخلاقی و انضباطی بیشتر به دانش‌آموزان مدارس غیر انتفاعی تذکر داده می‌شد» والدینی که فرزندان‌شان در مدارس غیر انتفاعی تحصیل می‌کنند نسبت به آینده فرزندان خود نگران هستند، شواهد ارائه شده در بخش نتایج نشان داد که به‌جز سؤال‌های ششم، هشتم و نهم که نگرش‌ها در سطح متوسط بود در دیگر موارد نگرش‌های ابراز شده نسبت به مدارس غیر انتفاعی در بعد پرورشی منفی بود. این یافته‌ها با نتایج حاصل از تحقیقات مسعودی فر (۱۳۷۹)، رشیدی (۱۳۷۴) و مبتصری (۱۳۷۶) همسویی قابل ملاحظه‌ای نشان می‌دهد. چنانچه محققانی چون قاسمی پویا (۱۳۸۰) نیز اشاره کرده‌اند، نگرش‌ها نسبت به مدارس غیر انتفاعی در بعد پرورشی مثل بعد آموزشی چنان مثبت نیست. بخشی از این نگرش‌ها در مجموع ممکن است حاصل انتظارات کلی اجتماع و به‌ویژه خانواده‌ها از این مدارس باشد. به عبارت دیگر چنین نگرش‌هایی در بعد تربیتی و پرورشی در ابعاد اخلاقی و رفتاری و شکوفاسازی استعدادها ممکن است نه

در مورد مدارس غیر انتفاعی بلکه در مورد مدارس دیگر. از جمله مدارس نمونه‌ی مردمی و... هم وجود داشته باشد. در تحقیقات خارجی نیز نوعی ناهمسانی در بین مدارس خصوصی نسبت به پرورش و تربیت اخلاقی، رفتاری و شکوفاسازی استعدادهاى دانش‌آموزان وجود دارد. برای مثال اسکالر (۱۹۷۹) و مورس و سر (۲۰۰۱) اشاره نموده‌اند که تنوع وسیعی در میان مدارس خصوصی مذاهب وابسته به مسیحیت وجود دارد. در برخی از این مدارس بر پرورش مذهبی، اخلاقی و رفتاری و حتی شکوفاسازی توانایی‌های بالقوه دانش‌آموزان نسبت به دیگر مدارس تأکید بیشتری می‌شود. در حالی که در برخی دیگر بر آموزش‌هایی که تضمینی برای موفقیت در راه‌یابی به دانشگاه‌ها و کسب پایگاه اجتماعی - اقتصادی بهتر در اجتماع است، تأکید بیشتری می‌شود.

در ابعاد اجتماعی و اقتصادی نسبت به دو بعد آموزشی و پرورشی، نگرش‌ها همسانی بیشتری را نشان می‌داد. در این دو بعد مضامین نگرشی مطرح شده در سؤال‌ها اساساً حول تلقی نمودن مدارس غیر انتفاعی به عنوان مشارکت اجتماعی، طبقاتی بودن آموزش و پرورش در مدارس غیر انتفاعی، قربانی شدن عدالت اجتماعی در ورود به مدارس غیر انتفاعی، کم شدن مشارکت مردم در آموزش و پرورش دولتی با وجود مدارس غیر انتفاعی، بی‌اعتماد شدن مردم به آموزش و پرورش با گسترش مدارس غیر انتفاعی، مدارس غیر انتفاعی نمود نیازهای طبقات مرفه و پولدار و... تمایل به شرکت در تظاهرات بر علیه مدارس غیر انتفاعی در صورت مهیا شدن شرایط، تمایل به سودجویی در میان مدیران و مؤسسان غیر انتفاعی، بی‌عدالتی اقتصادی، غیرمنصفانه بودن شهریه‌های مطالبه شده در مدارس غیر انتفاعی و... دور می‌زند. مجموعه‌ی شواهد ارائه شده در این پژوهش نشان داد که نگرش‌های ابراز شده نسبت به مدارس غیر انتفاعی در بعد اجتماعی و اقتصادی منفی است. مطالعات داخلی، نظیر قاسمی پویا (۱۳۸۰)، مسعودی فر (۱۳۷۹)، رشیدی (۱۳۷۴) و مبتصری (۱۳۷۴) نیز شده است که ظاهراً شدیدترین واکنش‌ها و حتی اظهار نظرها و ارائه نگرش‌ها نسبت به مدارس غیر انتفاعی در سطح اجتماعی و احیاناً اقتصادی است.

علاوه بر این، شواهد ارائه شده از واکنش‌ها و نگرش‌های خارج از کشور از قبیل مورس و ستر (۲۰۰۱) هادجی (۱۹۹۷) و اکسیولزکی (۲۰۰۳) نشان می‌دهد زمینه‌ی نوعی باور شبیه با آپارتید اجتماعی (هادجی ۱۹۹۷ ص ۱۲ را نگاه کنید) نسبت به مدارس خصوصی که فرزندان خانواده‌های مرفه را جذب و از آن طریق فرصت‌های آموزشی بهتر و احیاناً تصاحب پایگاه اجتماعی - اقتصادی بالاتر را برای دانش‌آموختگان خود فراهم می‌کنند، وجود دارد.

از دیگر سو شواهد تحقیقاتی دیگر نظیر لازی بیلی و پنگ تان (۲۰۰۳) در کشوری مثل ماداگاسکار نشان می‌دهد که در این کشور آفریقایی نیز فرزندان خانواده‌های مرفه‌تر و به‌ویژه طبقات خوش‌نشین بیشتر به مدارس غیردولتی (خصوصی) می‌روند و به دلیل شرایط و جو مطلوب‌تر آموزشی موفقیت و حتی میزان مردودی‌ها نیز نسبت به مدارس دولتی پایین‌تر است. از طرف دیگر تحقیقات محققانی چون فیملی (۲۰۰۲) در آمریکا نشان می‌دهد که حتی چنانچه مدارس خصوصی هم نخواهند ولی به دلیل فضای خاص این مدارس، احتمال جدا شدن نژادهای وابسته به طبقات مختلف اجتماع به صورت پنهانی و خود به‌خودی وجود دارد. این‌گونه تحقیقات نشان می‌دهد که امکان وجود زمینه‌های واقع‌گرایانه‌ی نگرش‌های اجتماعی منفی نظیر بی‌عدالتی اجتماعی و امثال آن در حضور و وجود مدارس خصوصی وجود دارد. البته تحقیقات آنچه نظیر حج‌فروش و وثوق، ۱۳۷۴ انجام داده‌اند که تحقیق نسبتاً جامعی محسوب می‌شود و بر روی پایگاه اقتصادی و اجتماع (و به‌ویژه شغل) والدین دانش‌آموزانی بوده که به مدرسه غیر انتفاعی می‌روند، نشان می‌دهد که بخش اعظمی در حدود ۵۰ درصد و حتی بالاتر از دانش‌آموزانی که به مدارس غیر انتفاعی می‌روند از اقشار کارمند و فرهنگی بوده که در حد متوسط به پایین درآمد دارند. این اطلاعات که از استان‌های متعدد هم محروم، هم برخوردار و هم متوسط بوده، به‌طور جدی با نگرش‌های اجتماعی افراد جامعه نسبت به مدارس غیر انتفاعی در تناقض است. چنین نگرش‌هایی ممکن است از باور و عقیده‌ی رایگان بودن آموزش و پرورش نزد افراد جامعه نشأت گرفته باشد. تقریباً همین عدم

همسویی نگرش‌ها با واقعیات مدارس غیر انتفاعی در بعد اقتصادی نیز ظاهراً وجود دارد. به‌ر حال این نگرش که مدارس غیر انتفاعی مخصوص پولدارهاست، اساساً به‌اصل پرداخت شهریه در این مدارس باز می‌گردد. این نکته قابل ذکر است که آموزش و پرورش به‌اشکال مختلف طی سال‌های اخیر با کمک‌های مالی و یا برقراری تسهیلاتی برای کسانی که مدرسه غیر انتفاعی دارند یا خواهان تأسیس مدارس غیر انتفاعی هستند، سعی نموده تا مشکلات مالی این مدارس را برطرف کنند. از طرف دیگر، همان‌گونه که قبلاً اشاره شد مدارس غیر انتفاعی ممکن است از طریق ایجاد فرصت برای خانواده‌های دارای تمکن مالی فرصت سرمایه‌گذاری دولتی را در بخش مدارس دولتی که فرزندان اقشار مختلف و به‌ویژه فرزندان طبقات کم در آمدتر قادر به‌استفاده از آن هستند را افزایش دهند. شواهد ارائه شده همچنین نشان داد که گرایش کلی نگرش‌ها علاوه بر چهار بعد به‌صورت تفکیکی، در سطوح کلی (حاصل چهار بعد مطرح در مجموع منفی است). این گرایش نگرش منفی در سطح کلی چنانچه در تعریف نگرش نیز مورد اشاره قرار گرفت، در بخش مقدمه ممکن است نوعی آمادگی برای توجه یا اقدام به‌عمل خاصی را در پی داشته باشد. به‌ر حال چنانچه در تحقیقات و تحلیل‌هایی که پورقاسمی (۱۳۷۴) نیز مورد اشاره قرار داده، یکی از محدودیت‌های جدی برای مدارس غیر انتفاعی احتمالاً همین نگرش‌های منفی باشد.

در مجموع نگرش‌های ابراز شده در این پژوهش ممکن است منعکس‌کننده واقعیات‌های موجود باشد. به‌ر حال آنچه که به‌نظر می‌رسد از جانب آحاد جامعه وظیفه‌ی سازمان‌ها و ادارات آموزش و پرورش تلقی می‌گردد، اعمال کنترل و نظارت بیشتر حداقل بر برخی مدارس غیر انتفاعی جهت رعایت استانداردهای آموزشی، پرورشی، اجتماعی و اقتصادی است. در عین حال چنانچه مقایسه‌ی نتایج پژوهش، با پژوهش‌های دیگر نشان داد گروهی از نگرش‌های موجود در بین افراد جامعه ممکن است چندان تناسبی با واقعیات موجود نداشته باشند. این‌که این نگرش‌های ناهمسو با واقعیت از کجا نشأت گرفته، نیاز به تحقیقات مستقل دارد. ولی حداقل از این نظر باید به‌آن‌ها توجه نمود که

شاید برای تغییر این موارد به‌تبلیغات و اطلاع‌رسانی دقیق‌تر نیاز باشد تا نگرش‌ها و نظرات گرایشی به‌واقع‌گرایی بیشتر میل کند یا نزدیک شود. این وظیفه هم از جانب مدارس غیر انتفاعی و هم از جانب نظام آموزش و پرورش (در صورتی که خواهان دوام و بقای این مدارس باشند) باید دنبال شود.

منابع

- پورقاسمی، حسن (۱۳۷۴). توسعه مدارس غیرانتفاعی و عوامل بازدارنده، فصلنامه فرهنگ مشارکت، پاییز ۱۳۷۴، تهران: وزارت آموزش و پرورش.
- جلالی، محمد رضا. (۱۳۷۶) بررسی جایگاه و عملکرد مدارس غیرانتفاعی استان مرکزی در سال‌های تحصیلی ۷۱ الی ۷۱، فصلنامه فرهنگ مشارکت، شماره ۱۴، تهران: وزارت آموزش و پرورش.
- حاضری، علی محمد (۱۳۷۷) مدارس غیرانتفاعی و تحرک اجتماعی، با تکیه بر مطالعه در شهرستان یزد، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
- حج فروش، احمد و وثوق، ایرج (۱۳۷۴). بررسی وضعیت مشاغل اولیای دانش‌آموزان مدارس غیرانتفاعی کشور و میزان شهریه‌های دریافتی برای هر گروه شغلی در سال تحصیلی ۷۴-۷۳، فصلنامه فرهنگ مشارکت، بهار و تابستان ۷۴ شماره‌های سوم و چهارم، تهران: وزارت آموزش و پرورش.
- حیدری، غلامحسین (۱۳۷۴) مدارس غیرانتفاعی. فصلنامه فرهنگ مشارکت، شماره‌ی ششم، تهران: وزارت آموزش و پرورش.
- رشیدی، حمید (۱۳۷۴) بررسی دیدگاه والدین دانش‌آموزان و دبیران مدارس غیرانتفاعی شهر خرم‌آباد نسبت به‌عملکرد این مدارس، شورای تحقیقات آموزش و پرورش استان لرستان.
- سجادی، سید مهدی (۱۳۷۵) نقش مدارس غیرانتفاعی در بهبود کیفیت آموزشی، فصلنامه فرهنگ مشارکت، شماره هفتم، تهران: وزارت آموزش و پرورش.
- سوداگر، رجب‌علی (۱۳۷۳). بررسی وضعیت آموزشگاه‌های غیرانتفاعی شهر اهواز در رابطه با تأمین نظرات، خواسته‌ها و انتظارات فراگیران و والدین، شورای تحقیقات آموزش و پرورش استان خوزستان.
- شریفی، حسن پاشا و شریفی، نسترن (۱۳۸۰) روش‌های تحقیقی در علوم رفتاری، تهران: سخن.
- عمیدی، علی. (۱۳۷۸). نظریه نمونه‌گیری و کاربردهای آن، تهران: مرکز نشر دانشگاهی تهران.
- قاسمی پویا، اقبال (۱۳۸۰) مشارکت‌های مردمی در آموزش و پرورش، بهار ۱۳۸۰، تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت، واحد انتشارات.
- کریمی، یوسف (۱۳۷۵) روانشناسی اجتماعی، تابستان ۱۳۷۶، تهران: نشر ارسباران.
- کریمی یوسف (۱۳۷۹) نگرش و تغییر نگرش، پاییز ۱۳۷۹، تهران: نشر ویرایش.
- کوشن بروس (۱۳۸۰) مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه غلامعباس توسلی و رضا فاضل، تابستان ۸۰، تهران: سمت.
- گلایبی، سیاوش (۱۳۸۰) اصول و مبانی جامعه‌شناسی، تابستان ۱۳۸۰، تهران: نشر میترا.
- گلشن‌فومنی، محمدرسول (۱۳۷۳) جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، تهران: نشر شیفته
- مسعودی‌فر، احمدرضا (۱۳۷۹) نگرش کارکنان اداری، مدیران و معلمان شهر مشهد نسبت به‌مدارس غیرانتفاعی و عوامل مؤثر بر آن، طرح پژوهشی شورای تحقیقات آموزش و پرورش خراسان.

Kenrick, D.T., Neuberg: S.L., Cialdini, R.B. (1999). Social psychology First Edition. Allyn & Bacon.

Kraus, S.J. (1995). Attitudes and the prediction of behavior A Metaanalysis of the empirical literature. Personality and Social Psychology Bulletin. No 21 PP. 58-75.

Krosnick, J.A., Betz A.L., Jussim, L.J., & Lynn, A.R. (1992). Subliminal Conditioning of attitudes. Personality and Social Psychology Bulletin. No. 18. PP.152-162.

Lassibille, G., & peng tan, J. (2003) Student learning in public and private primary schools in Madagascar. Economic Development and Cultural Change April 2003 No 51 PP.699-717.

Levine, G.M., Halberstadt, J.B., & Goldstone, R.L (1996). Reasoning and the weighting of a attributes in attitude Judgments. Journal of personality and Social Psychology No. 70. PP.230 - 240.

Mc Connell, A.R., Leibold, J.M., & sherman, S.J. (1997) Within - target illusory correlations and the formation of context - dependent attitudes. Journal of Personality and Social Psychology. No. 73. PP.675-676.

Morse wooster M. (2001) Variety in christian schools The American Enterprise Sep 2001, No 12. P.57.

Myers, D.H. (1993) Social Psychology Forth Edition Mc Grow Hill Book Company

Pisciotta, J (1999) Teacher attitudes in Texas public and private schools on lone WWW. TPDF. Org/ education/ Teacher/ toc. html

Olson J.M., & Zanna, MP (1993) Attitudes and Attitude and attitude change Annual Review of psychology. Vol. 44. PP.117-154.

Posavac, S.S., Sanbonmatsu, D.M., & Fazio, R.H. (1997). Considering the best choice Effects of the Salience and accessibility of alternatives on attitude decision consistency. Journal of personality and social psychology. No 72 PP. 253 - 261.

Prislin, R., & Oullette J. (1998) When it is embedded, it is potent: Effects of general attitude embeddedness on formation of specific attitudes and behavioral intentions personality and Social Psychology Bulletin No 22. PP 845-561. Roese, N.J., & Olson J.M. (1994) Attitude importance as a function of repeated attitude expression Journal of experimental social psychology No 30. PP. 39-51

Schaller, L. (1979) Public Versus private schools A Divisive Issue for the 1980 Indiana Christian Century Foundation. On line WWW christiancentury.org.

Skidelsky, W. (2003) Good manners and mediocre teachers New statement Mar 17, 2003, No 16, 748. P. 31.

Taylor, S.E., Peplau, L.A. Sears, D.O (2000) Social Psychology Tenth Edition. New Jersey: Prentice Hall Inc.

موریش، ایور (۱۳۷۳) درآمدی به جامعه‌شناسی تعلیم و تربیت، ترجمه: غلامعلی سرمد، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

مبتصری، غلامرضا (۱۳۷۴) بررسی نظر اولیای دانش‌آموزان مدارس غیرانتفاعی وابسته به دانشگاه آزاد اسلامی در مورد عملکرد مدیریت معلمان و مربیان، امکانات و تجهیزات و برنامه‌های فوق برنامه و تربیتی مدارس فرزندانشان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران.

یزدان‌پناه، قاسم (۱۳۷۷) نگاهی دوباره به عملکرد مدارس غیرانتفاعی، فصلنامه فرهنگ مشارکت، تابستان ۷۷، شماره شانزدهم، تهران: وزارت آموزش و پرورش.

Aronson, E., Wilson, T.D., Akert, R.M., (1999) Social Psychology Third Edition. Addison Wesley Educational Publishers Inc.

Baily, J., Plessis, D.d., (1997). Understanding principals' Attitudes toward inclusive schooling. Journal of Educational Administration, Vol. 35. No.5.5 PP.428-438.

Baron, R.A., Byene, D. (2000) social Psychology. Ninth Edition Massachusetts: Allyn & Bacon.

Blascovich, J., Erast, J.M., Tomaka, J., Kelsey, R.M., Salomon, K.L., Fazio, R.J. (1993) Attitude accessibility as a moderator of autonomic reactivity during decision making. Journal of Personality and Social psychology. No. 64. PP.165- 176.

Boninger, D.S., Krosnick, J.A., Berent, M.K. (1995). Origins of attitude importance: self-interest, social identification, and value Relevance. Journal of personality and Social psychology No. 68. PP. 61-80.

Brehm, S., B kassin, s. (1999). Social psychology. Fourth Edition Houghton Mifflin Company.

Brighthouse, H. (2001) Reform the private schools. New statement. Jan 8. 2001, 14. No. 638 P. 20.

Downing, J.W., Judd, C.W., Brauer, M. (1992) Effects of repeated expressions on attitude extremity. Journal of Personality and Social Psychology. No. 63. PP. 17.27

Eagly, A.H., chaiken, s. (1993) The psychology of attitudes Fort worth TX: Harcourt Brace Jovanovich.

Epple, D., Romano, R.E. (1998) Competition between private and public schools, vouchers and peer - group effects. The American Economic Review, Mar 1998. PP. 33-62

Fairly, R.W. (2002). Private schools and Latino Flight from black school children. Demography: Now 2002, No. 39, 40. PP. 655 - 647.

Friedlin. N.E., Thomas, s.s.I. (1997). Social Positions in schooling Sociology of Education. Oct 1997, No. 70, 4. PP. 239-225.

Hodge, M. (1997) We need our public schools. New statement: Now 14, 1997, No 10, 496. P.12.

Jing, L. (1999). Social Transformation and Private education in china Westport, Connecticut: Praeger.